

## رویکرد های جامعه شناختی امنیت اجتماعی

### چکیده

امنیت اجتماعی در سطح جوامع ناشی از استمرار وجود ارزش های فرهنگی چون ( فرایند اجتماعی شدن، نظم، وفاق و همکاری اجتماعی و...) به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت ها و ارتقاء سطح زندگی اجتماعی می پردازد. امنیت اجتماعی را نوعی توانمندی جامعه برای مراقبت از ویژگی های بنیادی گروه های اجتماعی و قومی، در برابر تغییرات و تهدیدهای عینی جامعه یا همان تقویت هویت های اجتماعی و قومی باید دانست. اهتمام به مسئله امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود؛ در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر خواهد شد. امنیت اجتماعی در سطح خانواده به معنای رفع تهدیدهای اجتماعی و بهره مندی از فرصت های اجتماعی خانواده تعریف می گردد. امنیت اجتماعی با گسترش شهرنشینی و بروز آسیب های اجتماعی در سطح محلات از جمله مباحثی است که مدیریت شهری می تواند، در جهت تقویت سرمایه های اجتماعی شهروندان گام هایی مؤثری بردارد. جامعه شناسی امنیت اجتماعی پاسداری از هویت های اجتماعی است؛ بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت های اجتماعی برای گروه های قومی و اجتماعی به دنبال حفظ الگوهای هویتی خواهد بود. رویکرد سلبی با توجه به برقراری نظم و امنیت اجتماعی را تعریف می کند و وجه ایجابی با توجه به ظرفیت ها و توانمندی های جامعه امنیت اجتماعی را مورد مطالعه قرار می دهد. نگرش جامعه شناسی خرد به این پدیده ترکیبی از عینیت و ذهنیت و مناسبات و تعاملات غیر رسمی است. نگرش کلان به امنیت اجتماعی در بستر جمع و هنجارهای رسمی حاصل می گردد. با توجه به رویکرد نظری و روش شناسی کیفی و مطالعه مروری که در این مقاله مدنظر قرار گرفته برخی از خصوصیات درونی سطوح امنیت اجتماعی جامعه ایران را با جامعه غربی مقایسه کرده و در انتها برای استمرار این پدیده در سطح جامعه ایران راهبردها و راهکارهایی را بیان کرده ایم.

### کلید واژه

امنیت اجتماعی، گفتمان سلبی/وجهی- جامعه شناسی کلان/خرد، هویت اجتماعی

امنیت اجتماعی (جامعه ای)<sup>۱</sup> حلقه واسط بین امنیت فردی و امنیت ملی است، که در تلاش است با یک نگاه کلان و جامع، یکپارچگی و انسجام لازم را میان امنیت، شهروندان و حاکمیت بسترسازی کند. در مطالعات جامعه شناختی باید عنوان کرد که از دو بُعد می توان از این نوع امنیت بهره برد. اول اینکه این نوع امنیت در سطح جامعه از حیث ضرورت حیات اجتماعی برای بقای هر جامعه ای لازم می باشد؛ دوم اینکه از حیث تأثیر گذاری در کم و کیف امور اجتماعی، سیاسی، دولتی و حکومتی که جامعه با بحران ها و مسائلی روبرو است، این پدیده در سطح جامعه لازم است. بنابراین طرح و تدوین چارچوب جامعه شناختی برای این پدیده در حال حاضر برای هر اجتماعی از جمله جامعه خودمان لازم به نظر می رسد.

دانش جامعه شناسی، امنیت را در بستر روابط و مناسبات سیاسی، اجتماعی در سطح جامعه و در میان شهروندان مورد مطالعه و بررسی قرار می دهد. همچنین سه رکن اساسی این حوزه را باید امنیت اجتماعی - سرمایه اجتماعی و جنبش های اجتماعی دانست، که ترسیم جامعه شناسی امنیت بدون این سه مؤلفه میسر نیست. زیرا با ترسیم این سه شاخص می توان به مکانیسم ایجاد و گسترش امنیت در زمینه اجتماعی متمرکز شد. بنابراین در جامعه شناسی امنیت متغیرهایی مانند « وفاق اجتماعی، همکاری گروهی، احساس تعلق خاطر به ارزش های اجتماعی، سرمایه و ظرفیت اجتماعی، گروه اندیشی، اعتماد اجتماعی، تشکل ها و جنبش های اجتماعی و به طور کل مرجعیت گروه به مثابه شکل دهنده امنیت و احساس ایمنی مورد بحث قرار می گیرد. بر اساس مطالعه چنین شاخص هایی است که شکنندگی یا استحکام اجتماعی واحدهای سیاسی مشخص می شود.» (نصری، ۱۳۸۱: ۱۱۴-۱۱۳)

## بیان مسئله

نقش امنیت در هر سطحی و با هرگونه بُعدی در بسترسازی توسعه جوامع انسانی، فراهم آوردن فضای فکری، مدیریت زندگی اجتماعی، مشارکت در روابط اجتماعی و بالاخره زمینه سازی برای سعادت دنیوی و اخروی بشر را برای شهروندان هر جامعه ای فراهم می کند. بحث امنیت اجتماعی به خصوص در تأمین بهداشت اجتماعی و روانی و در کاهش آسیب های اجتماعی و روانی، همچنین در گسترش سلامت اجتماعی و روانی اهمیت بسیاری دارد. بنابراین آرامش، رفاه، رشد، شکوفایی انسان، بروز استعدادها و خلاقیت ها و نیل به تمام کمالات انسان در سایه امنیت از جمله امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد.

بر این اساس چنانچه ملاحظه می گردد استمرار وجوه امنیت اجتماعی می تواند امنیت جامعه و نهادهای اجتماعی را تضمین و تامین نماید. بنابراین مهمترین رویکردها، کارکردها و اهداف اساسی این پدیده اجتماعی در سطح جامعه شناسی چه می باشد؟ همچنین با توجه به چنین ماهیتی این پدیده در ساختار جامعه ایران دارای چه ویژگی ها و موقعیتی بوده است؟

## ضرورت موضوع

در هر جامعه ای برخورداری از امنیت در هر سطحی به صورت پایدار و همه جانبه از اهداف اساسی هر نظام اجتماعی است. نقش کار ویژه های امنیت اجتماعی در سطح هر جامعه ای به طور اجماع بر این مباحث متمرکز است که، این پدیده در سطح نظام اجتماعی باعث شده که انسان ها کنار هم جمع شوند، و از نیروهای جمعی هم بهره مند گردند؛ و در مسئولیت های اجتماعی مشارکت داشته باشند، تا آسوده تر و راحت تر زندگی نمایند. جامعه ای که می خواهد از توسعه و پیشرفت لازم و از

---

<sup>1</sup> Societal Security

ظرفیت های و فرصت های لازم اجتماعی و فرهنگی بهره ببرد، همواره نیازمند به این است که در هر بُعدی از امنیت بالاخص امنیت اجتماعی بهره مند گردد.

امنیت اجتماعی را از حیث شمولیت و فراگیری می توان جزء امنیت عمومی نیز تلقی نمود، که حوزه های امنیت فردی، امنیت جمعی و گروهی را می تواند تحت پوشش قرار دهد. ویور<sup>۲</sup> «امنیت اجتماعی را توانمندی جامعه برای مراقبت از خصوصیات و ویژگی های بنیادی خود، در شرایط تغییر و تهدیدهای عینی و احتمالی تعریف کرده و بر ارتباط نزدیک میان هویت جامعه و امنیت تأکید داشته و خاطر نشان می کند که جامعه، امنیت هویتی اش را طلب می کند.» (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۱۶) از سوی دیگر باری بوزان<sup>۳</sup> در زمینه ضرورت امنیت اجتماعی در سطح جامعه بیان می کند که این پدیده را باید مجموعه ای از ویژگی هایی دانست که بر مبنای آن، افراد خودشان را عضوی از یک گروه خاص اجتماعی تلقی می نمایند و به بیان دیگر ضرورت این پدیده اجتماعی در این است که این پدیده معطوف به بخشی از جنبه های زندگی شخصی است که هویت های گروهی را تنظیم می نماید. بر اساس چنین ضرورتی «باری بوزان معنای ارگانیک امنیت اجتماعی را به عنوان هویت در جامعه مورد اهتمام قرار داده و امنیت اجتماعی را مترادف با امنیت هویتی تلقی می نماید. وی میان جامعه و اجتماع تفاوت قائل است و معتقد است که جامعه برای بیان گسترده تر و مبهم تر جمعیت دولت به کار برده می شود که پایه سرزمینی و شهروندان رسمی استوار است؛ در حالی که اجتماع به گروهی که هویت، خودپنداری اجتماع ها و افرادی که خودشان را به عنوان اعضای اجتماع قلمداد می کنند، می داند؛ حال آنکه به نظر وی، اجتماع شامل گروهایی است که دارای هویت یکسان هستند.» (ترابی و همکار، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۰)

### مفهوم ساختاری امنیت اجتماعی

در واقع در این بحث ابتدا باید اشاره ای به وضعیت جامعه نمائیم، سپس به مقایسه امنیت اجتماعی با سایر مفاهیم امنیت بردازیم. جامعه از نگاه هابرماس به دو دنیای عقلانی و زیست جهان تقسیم می گردد، که با توجه به منطق حاکم بر هر یک از این گونه های جامعه نه بایکدیگر متعرض هستند نه متباین. بر این اساس «امنیت اجتماعی متعلق به جهان زیست است نه جهان عقلانیت. به همین دلیل، فهم پرخاشگری های فردی که به قومیتش اهانت شده با منطق عقلی مشکل و شاید هم غیر ممکن باشد. جهان زیست تابع تعاملات و مناسبات افراد است، که طبعاً در هر شرایطی متفاوت بوده و نمی توان تعریف واحدی برای آن تجویز نمود. چنانکه پرخاشگری متعرضانه، در شرایط دیگر، با گفتگو حل و فصل می شود. در تعاملات انسانی پیام ها مبادله می شود و افراد بر اساس آن ها حد و حدود معیارها، و مرز خود را بایکدیگر مشخص می کنند. نحوه انتقال پیام ها و شرایط ارسال و دریافت مبادلات، نحوه رفتار افراد را نسبت به یکدیگر تعیین می کند و وضعیت آنان را مشخص می نماید. تعاملات در بستر ویژگی های طرفین پیام، جاری می شود و حد و معیار افراد را باز می تاباند احساس مایی یا تعلق خاطر در فضای مناسبات انسانی شکل می گیرد. و افراد با پیام های همدلانه و گفتگوهای مشترک، احساس یگانگی را به هم منتقل می کنند. با مناسبات و روابط این چنینی در بستر احساس، عواطف، همدلی، احساس تعلق و وابستگی میان افراد و خمیرمایه هویت شکل می گیرد. افراد آشنا و بیگانه بر اساس وجود یا عدم تعلقات مشترک تفکیک نموده و با پیوند با آشنایان و دوری از بیگانگان هویت خویش را سامان می بخشند. بنابراین موضوع امنیت اجتماعی با این تفسیر عبارت از توانایی حفظ هویت های اجتماعی.» (روی، ۱۳۸۲: ۳۴) حال به دلیل آنکه هویت واحدها در گرو تعلقات و پیوندهای مشترک ساری و جاری می باشد، تعریف دقیق تر از امنیت اجتماعی چنین خواهد بود که توانایی پاسداری از تعلقات و پیوندهای مشترک میان اعضای واحدهای اجتماعی. به هر ترتیب انسان امروزی در بستر عقلانیت، حساسگری، وفایده نگری پرورش یافته و قطعاً رجعت او به

2 wever

3 Buzan

تعلقات زیستی اش، نمی تواند خالی از چنین چشم اندازهایی باشد. بنابراین گرچه امنیت اجتماعی متعلق به زیست جهان است و در فضای تعاملات تعیین و تکلیف می شود، ولی در عین حال صبغه عقلانی یافته و با خطرات نرم افزاری آن توسط ابزارهای سخت افزاری مقابله می شود.

### ویژگی های امنیت اجتماعی

۱- جامع بودن: جامع بودن در حوزه امنیت اجتماعی و به طور کلی در بحث امنیت با شمولیت ارتباط پیدا می کند، یعنی هر حوزه ای را که به اداره امور جامعه مرتبط می کند می توان برای بسط امنیت اجتماعی ضروری دانست. علت این جامع بودن و شمولیت هم بر این اساس است که فرد یا جامعه از تهدید و خطر مصون باشد.

۲- تجربه ناپذیری: فقدان امنیت اجتماعی یا هر نوع امنیتی در سطح داخلی و بین المللی باعث می شود که به کل امنیت صدمه وارد گردد. در ارتباط با این مسئله مفاهیم خودی- دیگری مهمترین پایه در بار معنایی امنیت اجتماعی و هر نوع امنیتی می باشد.

۳- ذاتی بودن: هم به معنای عدم نیاز به علت و هم به معنای ضروری و نیاز غیرقابل رفع و ویژگی ناگزیر و غیرقابل گریز می باشد، لذا امنیت اجتماعی یعنی مصونیت و نیاز به مصونیت، علم مصونیت و مدافع آن می باشد.

۴- متمرکز بودن بر عدالت: این مسئله مقدم بر همه امر در جامعه اسلامی می باشد. این ویژگی در نظام اسلامی شامل تمام احکام الهی، رعایت حق و قسط و مسئولیت متقابل حاکم و ملت و انصاف و شفقت بر خلق و مانند این ها می باشد. که باعث می شود امنیت اجتماعی با عدالت رابطه داشته باشد.

۵- ضریب هبستگی امنیت با سایر شئون حیات اجتماعی انسان: در واقع برخوردار بودن از امنیت در هر سطح و مفهومی به این معناست که این پدیده برای جامعه بسیار ارزشمند است و از منزلت والایی نسبت به سایر پدیده ها اجتماعی برخوردار است. به عبارت دیگر نسبت امنیت و امنیت اجتماعی به سایر امور جامعه مانند نسبت روح به کالبد است.

### رویکردهای نظری امنیت اجتماعی

از بُعد مطالعات جامعه شناختی دو نوع رویکرد یا گفتمان در مورد امنیت اجتماعی وجود دارد. که به شرح زیر می باشد.  
گفتمان سلبی<sup>۴</sup>

در این رویکرد یا گفتمان فقدان امنیت و یا نبود امنیت اجتماعی در جامعه باعث شده که پدیده ای به نام تهدید بوجود آید؛ راهبرد اصلی در این رویکرد امنیتی، تقویت توان نظامی برای مقابله و سرکوب دشمنان است از این دیدگاه جنگ ادامه سیاست البته با ابزار و وسایلی دیگر به شمار می رود و به زمامداران توصیه می شود برای افزایش ضریب امنیتی قلمروشان، در تجهیز و تقویت ساز و برگ و توان جنگی شان کوشا باشند. این موج به اقتضای ماهیتش طیف متنوعی از صاحب نظران را در بر می گیرد که شاخص ها اصلی آن ها رویگردانی از محوریت عامل نظامی در تعریف و تحدید امنیت است. بر این اساس می توان این نوع امنیت را در جدول ذیل خلاصه کرد.

امنیت	وجوه امنیت	نگرش	ابزار
-------	------------	------	-------

<sup>4</sup> Negative Discourse

نبود تهدید	نظامی، اقتصادی	عینی و بیرونی	قدرت و زور
------------	----------------	---------------	------------

با توجه به آنچه که گذشت، وجه سلبی امنیت و سازوکارهای آن در جدول فوق آمده است. « به عبارت دیگر بر وجه رهایی از خطر و تهدید به عنوان حوزه معنای امنیت تأکید شده است. پس امنیت را می توان توانمندی ایجاد شرایط عاری از خطر و مشکلات تعریف کرد. این تعریف از امنیت مبتنی بر نگرش عینی و واقع بینانه از خطرات فیزیکی و مادی خارجی است، یعنی خطرات شامل موضوعات ملموس و مشخصی چون جنگ، خشونت، آشوب و غیره هستند.» ( نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۶-۲۷) با توجه به آنچه که بیان کرده ایم، این رویکرد بر فقدان تهدید، دلالت نظر دارد، به این معنا که گفتمان سلبی به مفهوم نبودن خطر، تهدید و برخورداری نسبی از آرامش و اطمینان خاطر معطوف شده است. در این رویکرد امنیت اجتماعی عبارت است از « ظرفیتی که تهدید از یک بازیگر بیرونی، نسبت به منافع حیاتی و همه بازیگر اصلی وجود نداشته باشد؛ بنابراین، تهدیدات در رویکرد سلبی دارای ویژگی های می باشند: ۱- مقولاتی هستند که از ناحیه فضایی بیرون تولید می شوند. ۲- دارای ماهیت سخت افزاری هستند. ۳- از نظر چهره و گونه قابل تهدید نیستند و متناسب با شرایط و امکانات تحول می یابند. ۴- در وضعیت تراکمی قرار دارند؛ یعنی چهره های جدید چهره های قدیم را از بین نمی برد.» ( بوزان، ۱۳۷۸: ۵۸)

#### گفتمان ایجابی

در این رویکرد امنیت به نبود تهدید تعریف نمی شود، بلکه با وجود تهدید در سطح جامعه، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و درخواست های اجتماعی مد نظر قرار می گیرد. در این گفتمان « امنیت، توانایی و شرایط عینی را شامل می شود که در آن بستر می توان به منافع همگانی دست یافت. گفتنی است که مطابق این تفسیر، مفهوم امنیت نسبت به منافع عمومی نیز از اولویت برخوردار است، چرا که تحقق یا عدم تحقق منافع جمعی در گرو بود یا نبود امنیت است. بر این اساس جامعه ای که در عین درگیر نبودن با تهدید خارجی یا داخلی، توان لازم را برای دستیابی به منافع جمعی اش نداشته باشد، امنیت ندارد و ناامن گفته می شود. گفتمان ایجابی را باید گفتمانی تازه در حوزه مطالعات امنیتی به شمار آورد که بیش از دو دهه از عمر آن نمی گذرد.» ( نویدنیا، ۱۳۸۸: ۲۷) بر این اساس می توان این نوع امنیت را در جدول ذیل خلاصه کرد.

امنیت	وجوه امنیت	نگرش	ابزار
کسب فرصت	اجتماعی- فرهنگی	ذهنی و درونی	اطلاعات و بینش

با توجه به این نوع گفتمان های غالب در بحث امنیت، باید به این مبحث اشاره کنیم که امنیت اجتماعی در بستر جامعه نیازمند توانایی های نرم افزاری است، که بتوان با این توانمندی های نرم افزاری توان مقابله با انواع خطرات را داشت؛ در واقع در جامعه مدرن، هرچه استفاده از ابزارهای معرفتی و اطلاعاتی از سوی نهادهای آموزشی و ارتباطات جمعی در اختیار شهروندان قرار گیرد و همچنین سازوکارهای درونی کردن و جامعه پذیری به عنوان مکانیسم های اصلی تحقق امنیت اجتماعی در بعد ایجابی بیشتر در جامعه ارتقاء داده شود، امنیت اجتماعی بیشتر بستر سازی خواهد شد.

نوع گفتمان مولفه	گفتمان سلبی (منفی)	گفتمان ایجابی (مثبت)
امنیت	فقدان تهدید و خطر	کسب فرصت و منافع

وجه امنیت	اولیت با نظامی گری نسبت به سایر ابعاد	اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و.....
نگرش	عینی- بیرونی	ذهنی- درونی
ابزار	قدرت و زور	اطلاعات و بینش
هدف	بقاء و ادامه حیات	تکامل و توسعه
نوع امنیت	سخت افزاری	نرم افزاری

### سطوح جامعه شناسی امنیت اجتماعی

با توجه به آنچه که در سطور قبل در مورد گفتمان های غالب امنیت صحبت کرده این و با توجه به ضرورتی که امنیت اجتماعی در سطح جامعه در راستای حفظ گروه های اجتماعی و هویت های قومی در جهت دستیابی به انسجام اجتماعی و همبستگی ملی دارد، در این بخش به صورت مختصر اشاره ای به سطوح جامعه شناسی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی در جامعه خواهیم کرد.

#### سطح جامعه شناسی خرد

در واقع با توجه به اصول موضوعه جامعه شناسی خرد به مفهوم امنیت اجتماعی می پردازیم. در این سطح از نظریات جامعه شناسی محور امور را پدیده ای به نام خود تشکیل می دهد، رفتارها به دو دسته منطقی و غیر منطقی تقسیم می گردد. امنیت اجتماعی در این سطح به دنبال بیان ابزار وجود و تداوم خود می باشد. در واقع افکار و اعمال فردی ملزومات چنین امنیتی را تشکیل می دهند، و قلمروی معرفتی و عملکردی آن را تعیین می کنند، بنابراین امنیت اجتماعی با تبلور خود در این سطح به خود معنا می گیرد.

سطح امنیت اجتماعی مورد بررسی در این دسته از رویکردهای جامعه شناسی بر اساس مقتضیات خود شکل گرفته، و با توجه به تقسیم بندی نیازهای انسانی به دو بخش اولیه و ثانویه امنیت را به دو سطح اولیه و ثانویه تقسیم می گردد. «امنیت اولیه که ضامن تحقق نیازهای اولیه خود است و امنیت ثانویه که ضامن برآورده شدن نیازهای دومین خود است. امنیت اولیه میان تمامی افراد بشری مشترک است، اما امنیت ثانویه از فردی به فرد دیگر تفاوت می یابد، گرچه برای آن نیز می توان دسته هایی را مشخص کرد. بالطبع ابزار خود، بیشتر در گرو امنیت ثانویه معنا می گیرد تا امنیت اولیه، گرچه امنیت اولیه ضامن بقا و ادامه حیات است، بدون امنیت ثانویه فردگرایی و تفاوت ماهوی میان خودها از بین می رود و قرار گرفتن افراد در هم شکلی و همگونی، موجب از بین رفتن آسودگی خیال آن ها خواهد شد، چون موجودیت خود بر اساس تمایز و تفاوت تعیین می شود. به همین ترتیب، دو نوع نامنی اولیه و ثانویه مطرح خواهد بود. نامنی اولیه که به تخریب و عدم تامین نیازهای اولیه منجر می شود، نامنی ثانویه که از تحقق حوائج خود ممانعت می کند.» (همان: ۴۷)

نگرش در این سطح به امنیت اجتماعی علاوه بر عینی /ذهنی بودن، نوعی پاسخگویی به نیازها و تضمین خود، و یا ترکیبی از عینیت و ذهنیت است. در واقع مکانیسم ها و ابزارهای عمده این سطح از امنیت مناسبات و تعاملات غیر رسمی

است، براساس روابط چهره به چهره، صمیمیت، و خودمانی بودن افراد می توان به این سطح از امنیت دست یافت، از بعد دیگر در کنار وجود هنجارهای رسمی در سطح جامعه برای تولید امنیت، در این سطح از امنیت تولید هنجارهای غیررسمی در خانواده، گروه های همسالان، دوستان و همکاران با تأکید بر ارتباطات غیر رسمی و در راستای تحقق خود در مسیر امور روزمره به صورت عقلانی و حسابگرانه این نوع مکانیسم ها تحقق می یابد.

مرجع امنیت	کارکرد امنیت	وجوه امنیت	سطوح امنیت	نگرش	ابزار	پیامد
خود	تضمین فرد	ابعاد خود	نیازهای اولیه و ثانویه	عینی - ذهنی	تعاملات غیررسمی	آسودگی و آرامش

### سطح جامعه شناسی کلان

در این قلمرو از جامعه شناسی نمی توان همانند سطح خرد مرجع امنیت اجتماعی را فرد دانست، بلکه ما با چندین مرجع امنیت در این سطح روبرو هستیم. جوامع، نهادها، سازمان ها، ساخت ها، گروه های بزرگ و... می توانند همگی به نوعی مرجع امنیت باشند. سطح امنیت اجتماعی در این قلمرو بر اساس کارکردهایی که جمع می تواند داشته باشد مشخص می گردد. « اگر جمع قادر باشد کارکردهای خویش را ایفاء کند آسودگی جریان می یابد و اگر اختلال در روند کارکردها ایجاد شود، آرامش و آسایش مختل می شود و ایمنی جمع فراهم می شود. به عبارت دیگر، از آنجا که جریان یافتن کارکردها به روابط فیما بین سرمایه های طبیعی فنی، مالی، انسانی، اطلاعاتی، موقعیتی و غیره وابسته است، هرچه نحوه تعاملات میان این سرمایه ها از استحکام بالاتری برخوردار باشد، احتمال اجرای کارکردها بیشتر است و بالعکس هر چه شیوه ارتباطات مبهم و نامشخص باشد، اجرای کارکردها نامحتمل خواهد بود. بنابراین، امنیت جمع ها در سایه استحکام بخشی به روابط بین سرمایه ها یا همان جریان یافتن کارکردها فراهم می شود. لذا به تعدد کارکردها می توان از سطوح امنیت یاد کرد. جمعی دارای کارکرد تربیتی، جمعی، مذهبی و الی آخر. سطوح امنیت نیز با توجه به نوع کارکردها تفاوت یافته و از تنوع برخوردار شده است.» ( نوید نیا، ۱۳۸۵: ۶۵)

در واقع در سطح جامعه شناسی کلان امنیت اجتماعی اهتمام دادن به جمع در راستای ماهیت وجودی خویش باشد. « با این تعریف، امنیت به فراخور جمع معنا می یابد. یعنی امنیت اجتماعی فرایندی است که طیفی از بی نهایت مثبت تا بی نهایت منفی را در خود جای داده است و آرامش آن ها را در سایه تضمین کارکردهایشان فراهم می کند. در این گستردگی، می توان از نیاز به امنیت گروه های ناپهنجار، واگرا، نازسازگار تا گروه های بهنجار، همگرا و سازگار نام برد. تشخیص صواب و ناصواب بودن امنیت برای چنین جمع هایی مورد بحث ما نیست و فقط بر گستردگی اشکالی جمعی امنیت تأکید می کنیم. به این ترتیب، امنیت اجتماعی در جامعه شناسی کلان، ضامن آسایش جمع است و ناامنی به مسائلی اطلاق می شود که مانع کارکرد جمع خواهد بود و مخل ادامه حیات و تامین آسودگی هستند.» ( نوید نیا، ۱۳۸۸: ۵۴)

مکانیسم و ابزار اساسی این نوع سطح از امنیت بر اساس جمع بر پایه قوانین و مقررات است. بر این اساس هر چه قوانین بهتر و با تدبیر صحیحی تدوین و تنظیم شوند، کارکرد جمع را تضمین می کنند و در سایه آن امنیت محقق خواهد شد. جمع با تکیه بر قوانین و مقررات روند کاری، اهداف، سطح کارایی، نحوه همکاری با سایر جمع ها، تعاملات درون گروهی و... موجب تداوم و بقای امنیت خواهد شد. با توجه به آنچه که در سطور قبل اشاره کرده این به صورت جدول خلاصه وار بیان کرده ایم.

مرجع امنیت	کارکرد امنیت	وجوه امنیت	سطوح امنیت	نگرش	ابزار	پیامد
------------	--------------	------------	------------	------	-------	-------

جمع	آسودگی جمع	ابعاد جمع	نظم اجتماعی	عینی-ذهنی	تعاملات رسمی	رفع تهدیدات و خطرات
-----	------------	-----------	-------------	-----------	--------------	---------------------

با عنایت به اینکه در خصوص امنیت اجتماعی در سطح خرد و کلان جامعه شناسی بیان شد، می توان ادعا کرد که امنیت در سطح خرد و کلان دارای اهداف امنیتی متفاوت نیستند بنابراین تلخیص مضمون و نکات محوری امنیت در دو سطح جامعه شناسی در قالب جدول زیر آمده است:

جامعه شناسی کلان	جامعه شناسی خرد	سطوح جامعه شناسی قلمرو امنیت
جمع	خود (فرد)	مرجع امنیت
ابعاد و ویژگی های جمع	ابعاد گسترده خود	وجوه امنیت
نیازهای کارکردی	نیازهای اولیه و ثانویه فردی	سطح امنیت
تامین و تضمین آسودگی جمع	تضمین فرد (خود)	کارکرد امنیت
عینی-ذهنی	سخت افزاری- نرم افزاری	نوع امنیت
رفع تهدیدات و خطرات	آسودگی و آرامش	پیامد امنیت
اولویت بر تعاملات رسمی	اولویت بر تعاملات غیر رسمی	ابزار امنیت

### امنیت اجتماعی و پدیده اجتماعی

امنیت اجتماعی به عنوان پدیده ای اجتماعی که در یک جامعه از شرایط ساختاری و الگوهای کنشی برخوردار است، به عنوان پدیده ای در مسیر تحولات اجتماعی برسر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرد، و در صورت عدم تحقق آن مانع تحقق اهداف و تهدیدکننده ارزش ها و کمال مطلوب نظم اجتماعی و توسعه جامعه خواهد شد.

با توجه به این مسئله و در راستای توسعه پایدار جامعه می توان اهداف توسعه را همگام با امنیت به دو دسته خاص و عام تقسیم نمود. « اهداف خاص مرتبط با ارزش های خاص هستند که بر حسب هریک از واحدهای اجتماعی نظیر گروه، قشر، طبقه، قوم، شهر، روستا، نظام اجتماعی و جامعه تغییر می یابند. ولی اهداف عام منبعت از ارزش های عام و فراگیر چون دانایی و خردگرایی، صداقت، و راستگویی، آزادگی و مردم سالاری، عدالت و مساوات طلبی، بهره برداری بهینه از منابع در جهت پاسخگویی به نیازهای مردم و رشد و شکوفایی استعدادهای آنان و نظایر آن هستند که در بین همه واحدهای اجتماعی کمابیش مشترک اند و شاخص های عام توسعه را تشکیل می دهند.» (عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱)

رویکردی در بحث پدیده اجتماعی مطرح است که پدیده اجتماعی را حاصل تشخیص نخبگان می داند. «بر این اساس، این نخبگان (سیاسی- اجتماعی- اقتصادی- فرهنگی) هستند که با توجه به معیارهای ذهنی خود، وضعیت موجود در یک جامعه



را در ارتباط با موضوعی خاص می توانند مسئله تلقی کنند یا نکنند. در این صورت پذیرش این رویکرد، وظیفه جامعه شناسان در ارتباط با مسئله اجتماعی، بدون توجه به زمینه اجتماعی و نحوه عموم از آن، برنامه ریزی در جهت حل آن است. بدیهی است چون اعضاء جامعه حاملین مادی مسئله اجتماعی در ارتباط با آنچه مسئله تلقی شده است توجیه نیستند و آن را مسئله تلقی نمی کنند، انتظارا همراهی آن ها با اقدامات معطوف به حل مسئله نیز محقق نمی شود. در این رویکرد به مسئله اجتماعی، همچنین حداقل به طور ذهنی می توان وضعیتی را متصور شد که در آن جامعه موضوعی را به عنوان یک مسئله اجتماعی تلقی می کند در حالیکه نخبگان چنین برداشتی ندارند و یا بالعکس آنچه نزد نخبگان مسئله تلقی می شود، نزد اعضاء جامعه یک مسئله درک نمی شود.» (افشارکهن، ۱۳۸۲: ۶) باتوجه به این رویکرد پدیده امنیت و بالاخص امنیت اجتماعی، در راستای وفاق و همبستگی اجتماعی در جامعه و ارتقاء سرمایه های اجتماعی و افزایش مشارکت اجتماعی گروه ها و هویت های مختلف جامعه در راستای استمرار نظم اجتماعی و توسعه پایدار جامعه بسیار اهمیت دارد، و به عنوان نوعی مسئله اجتماعی با توجه به معیارهای ذهنی نخبگان (سیاسی- اجتماعی- فرهنگی- اقتصادی) وضعیتی متصور می شود که باید در جامعه و حیات اجتماعی بهبود یابد. با توجه به اینکه پدیده اجتماعی دارای ویژگی هایی است که بسیارهم عدیده اند، می توان اهم آن ها را عبارتند از:

**الف: اجتماعی بودن و عمومی بودن:** با توجه به این ویژگی امنیت و ابعاد آن محصول حیات اجتماعی هستند و در قالب واحدهای اجتماعی مشخص چون شهر- روستا- گروه های اجتماعی- طبقات اجتماعی و... قابل درک می باشند. با توجه به این ویژگی امنیت اجتماعی را می توان دارای خصایصی همچون (جمعی و غیر فردی بودن، دارای سیر تاریخی، واقعی بودن و دارای ابعاد کیفی و ربط ارزشی بودن آن با مسائل اجتماعی، متغیر و نسبی، قانونمند بودن، متنوع و متکثر، بین رشته ای، قابل اصلاح و بازبینی، و...) دانست.

**ب: شرایط و لوازمات تشخیص:** با توجه به این بحث، مطالعات امنیتی و شاخه های آن در جامعه برای تحقق داشتن در یک جامعه دارای مجموعه شرایط و استلزمات خاصی است.

۱) برخوردار بودن از یک واحد تحلیل: وجود یک واحد اجتماعی مشخص که اعضای آن دارای اهداف مشترکی باشند. براین اساس امنیت اجتماعی با توجه به اینکه واحد تحلیل آن گروه های اجتماعی و قومیتی در سطح جامعه می باشد، به عنوان یک پدیده اجتماعی، جمعی، انضمامی و مقید به شرایط خاص یک واحد اجتماعی در سطح بومی، ملی و بین المللی حائز اهمیت است.

۲) برخوردار بودن از اصحاب تخصص و بینش ها و روش های دانشی. طرح صحیح پدیده اجتماعی امنیت و ابعاد آن امری تخصصی است، لذا باید اصحاب تخصص آن را انجام دهند. زیرا در صورتی که عامه مردم به طور صحیحی درک ناتوانی در تشخیص و شناخت وضعیت موجود دارند، همچنین مردم وضعیت روشن آینده و عدم ارزیابی دقیق مقدرات و محدودیت های گذار از وضعیت را برای رسیدن به حد مطلوب ندارند، به همین دلیل قادر به حل مسئله نیستند؛ بنابراین همان طور که دارندورف بیان می کند وجود اصحاب تخصص و بینش ها و روش های خاص از جمله جامعه شناسی در ارزیابی و به حد مطلوب رساندن امنیت اجتماعی لازم می باشد. شارون هم براین باور است که «جامعه شناسی همواره محققان و اندیشمندان را به خود جلب کرده است که آرزوی فهم علل و عوامل تیره بختی و برقراری عدالت اجتماعی در جهان را در سر پروراندند.» (شارون، ۱۳۷۹: ۲۱۹) با توجه به این بحث امنیت اجتماعی نوعی نرم افزار تلقی می گردد که باید فکری، فرهنگی، اجتماعی و ساختاری با آن روبرو شد. بررسی این نوع پدیده از اصلی ترین شاخص های توسعه و پیامدهای توسعه یافتگی محسوب خواهد شد، که عمدتاً در حوزه علوم اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد.

۳) برقراری تعامل صحیحی و مناسب بین محققان و اعضای واحد اجتماعی. همانطور که بیان شد پدیده اجتماعی از جمله امنیت و ابعاد آن پدیده ای هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بر سر راه توسعه پایدار قرار دارند، یعنی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد اکثریت مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرند، بنابراین شناخت این مسئله بستگی به شناخت علمی اهداف و کمال مطلوب های جامعه و مقدرات و محدودیت های موجود برسر راه تحقق آن ها دارند. این امر از طریق برقراری تعامل مستمر و پیوند متقابل محققان و واحدهای تحلیل بوجود می آید.

ج فضای فکری و اجتماعی لازم برای طرح مسائل اجتماعی. محققان اجتماعی برای طرح صحیح پدیده های اجتماعی نیازمند حوزه ای مستقل از قدرت ها و عوامل رسمی و غیررسمی هستند که بتوانند ضمن پرهیز از وابستگی های سیاسی، قومی، و ایدئولوژیک، با تنظیم تعاملات مستمر و مناسب با مردم و مسئولان و با رعایت اخلاق حرفه ای و استفاده از بینش ها و روش های جامع و تلفیقی، آزادانه، خردمندانه و به دور از هر نوع سلطه پیرامون پدیده اجتماعی جامعه به گفتگو و تبادل اندیشه بپردازند. امنیت و ابعاد آن با توجه به این ویژگی نتوانسته دارای چنین ویژگی در سطح جامعه ایران باشد.

معمولاً در طرح پدیده های اجتماعی و ارتباط آن با امنیت اجتماعی اهداف عمده ای دنبال می شود که به شرح ذیل می باشد.

**الف: تیپولوژی و توصیف مسائل اجتماعی:** در این هدف معیارهای متفاوتی اعم از (مسائل فرهنگی، مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل اقتصادی و مسائل زیست محیطی تقسیم می گردد. با توجه به این نوع تقسیم بندی بحث امنیت و بالاخص امنیت اجتماعی که در راستای الگوهای نیل به اهداف، تعهد جمعی و هویت اجتماعی بوجود می آید، همچنین گام موثری در حوزه اعتماد جمعی عام در جامعه یک مسئله اجتماعی است.

**ب: طبقه بندی بر اساس عام و خاص بودن از لحاظ محدودیت و گستردگی موضوع و واحد تحلیل:** در این بخش با توجه به طبقه بندی بر حسب موضوع امنیت و شاخه های آن در سطح جامعه و حتی جهانی مسئله عام تلقی شده، دارای ابعاد کثیری است و خصلتی بین رشته ای دارد، و استمرار آن برای تمام گروه های اجتماعی لازم به نظر می رسد.

**پ: طبقه بندی بر اساس حوزه های نرم افزاری و سخت افزاری:** امنیت اجتماعی و مطالعات امنیتی در هر بُعدی و سطحی با توجه به این نوع طبقه بندی معمولاً با مسائل فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حاکمیتی ربط دارند، در واقع در سطح سخت افزاری استفاده از زور و قدرت در جهت تثبیت نظم اجتماعی لازم به نظر می رسد، که بیشتر معطوف به امنیت عمومی، انتظامی و بین المللی و ملی می گردد. در سطح نرم افزاری امنیت اجتماعی در راستای وفاق و وحدت جمعی و استمرار توسعه پایدار گروه های اجتماعی در جامعه باید مورد اهتمام قرار گیرد.

**ت: طبقه بندی بر اساس ارتباط آن با نظام ارزشی و کمال مطلوب:** امنیت یکی از نیازهای اولیه هر جامعه بشری است، در واقع اهمیت و اهتمام این مسئله اجتماعی مستقیماً با نظام ارزشی و کمال مطلوب مردم جامعه و حتی جامعه جهانی پیوند مستقیم خورده است، فقدان این مسئله در سطح محلی، ملی، منطقه ای و جهانی باعث تهدید ارزش های ذاتی چون معرفت، تعهد و فضیلت انسانی خواهد شد.

**ث: تحلیل ریشه یابی پدیده های اجتماعی:** در این سطح باید با توجه به دیدگاه های جامعه شناسی قلمرو امنیت اجتماعی را در سطح خرد و کلان مورد تحلیل قرار داد، در واقع با توجه به این اهداف می توان امنیت اجتماعی را به صورت واقعیت گرا و ساخت گرا به پدیده های اجتماعی مورد اهتمام قرار داد، حتی از طریق روش های علت کاوانه به تحلیل عوامل اجتماعی عینی و ساختاری مسائل اجتماعی در سطح کلان توجه دارند، در حالی که محققان دارای دیدگاه های خردنگر، فردگرا و

نمادگرا بیشتر به مبانی ذهنی و الگوهای کنشی امنیت اجتماعی توجه می کنند و این پدیده را در ارتباط با ویژگی های فردی و ذهنی افراد در سطح خرد مورد اهتمام قرار می گیرد.

ج: ارائه راه حل های مناسب برای اصلاح و پیشگیری مسائل اجتماعی: در واقع هراندازه نتایج بدست آمده از اعتبار علمی و ارزش علمی بیشتری برخوردار باشند بر اساس آن ها می توان راه حل های مناسب تری ارائه کرد. با توجه به این مسئله باید در این راستا محققان اشاره به راه حل های چندگانه ای بنمایند. ۱- جامعیت راه حل ها، که توجه به ریشه های عینی و ذهنی و کثیر الابعاد بودن مسئله امنیت. ۲- اعتبار علمی. راه حل ها باید براساس یافته های علمی معتبر تنظیم شود، دارا پشتوانه و توجیه نظری در زمینه مطالعاتی امنیتی باشد. ۳- ارزش علمی. راه حل ها باید در قالب تبدیل به سیاست ها، راهبردها، و راهکارهای عملی و اجرایی لازم برای اصلاح، رفع موانع و پیشگیری از ناامنی و توسعه پایدار امنیت اجتماعی باشد.

با توجه به این اهداف و ارتباطی که بین امنیت اجتماعی و مسائل اجتماعی می توان در نظر داشت، باید بیان کرد که ضرورت و اهمیت طرح مساله اجتماعی امنیت در سطح جامعه ایران از اواخر دهه ۷۰ به این سمت گسترش بیشتری یافته است. بنابراین مهمترین مواردی که ضرورت و اهتمام طرح مساله اجتماعی امنیت را در جامعه از این دهه به بعد بارزتر کرده است از چند جهت قابل توجه است.

الف: پاسخ به پرسش های علمی مطروحه در زمینه امنیت اجتماعی و ایجاد وفاق فکری بین محققان و متخصصان مربوطه درباره امنیت جامعه که به نوبه خود بستر و محمل مناسبی برای تقویت و تعالی تعاملات و همکاری های علمی بین اصحاب اندیشه در حوزه های علوم انسانی بوجود می آورد.

ب: پاسخ به نیازهای اجتماعی و تولید یافته های علمی لازم برای بخش های قانون گذاری، سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرایی کشور و پیوند بین نظر و عمل ایجاد تعامل صحیح و مناسب بین بخش های مکمل جامعه.

پ: تعامل اندیشمندان اجتماعی با مردم و مسئولان نهادهای رسمی و غیررسمی می تواند زمینه را برای وفاق فکری میان نخبگان و نخبگان و مردم بر سر مسائل اساسی و ایجاد هماهنگی و هم سویی بین آن ها در جهت اصلاح، امنیت اجتماعی را فراهم سازد.

ت: با توجه به اینکه امروز توسعه و اصلاح و بهبود حیات اجتماعی در همه جوامع مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است، لذا هرگونه تلاش در جهت اصلاح، رفع و پیشگیری مسائل اجتماعی به معنای تلاش در جهت رفع موانع توسعه است.

### امنیت اجتماعی و نهاد اجتماعی خانواده

یکی از موارد اهتمام به پدیده امنیت اجتماعی در سطح جامعه ارتباط تنگاتنگ این مسئله با نهاد اجتماعی خانواده است. بنابراین امنیت اجتماعی به معنای رفع تهدیدهای اجتماعی و بهره مندی از فرصت های اجتماعی. بر این اساس «امنیت اجتماعی خانواده عبارت است از حفظ حریم زندگی خانوادگی از خطرات و تهدیدات، همچنین ارتقاء سطح زندگی خانوادگی با اتخاذ تدابیری جهت کسب فرصت های زندگی. در اینجا خطرات و تهدیدات به کلیه مخاطراتی اطلاق می شود که در روابط گرم، و عاطفی، صمیمی و محبت آمیز خانواده اختلال ایجاد نماید و احساس نزدیکی و همدلی میان آنان را از بین ببرد. در واقع، حراست و نگهداری از احساس مایی خانواده ریشه در حفظ روابط گرم، عاطفی و صمیمانه میان افراد دارد. حال برای حفظ این روابط چهره به چهره و محبت آمیز و پابرجا ماندن احساس مایی لازم است خانواده به پشتوانه عینی و واقعی برای دفع خطرات و کسب فرصت ها مجهز شود.» (چلبی، ۱۳۸۶: ۷۵) نهاد اجتماعی خانواده برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت

اجتماعی است. چرا که جامعه جدید شهرنشینی گسترده و گزلفاشفتی شدن حیات اجتماعی، موجب بروز کاستی در خانواده را فراهم می کند؛ و خانواده در معرض تهدیدها، خطرات و ضررهای متعددی از جمله فقدان امنیت اجتماعی و عاطفی قرار گرفته است. همچنین جامعه جدید شهری، تراکم و افزایش جمعیت در آن، همراه با تحرک بی سابقه جغرافیایی، موجبات تنهائی، غربت انسان ها را درون توده های انبوه فراهم آورده است؛ و اعضای خانواده دچار کمبود سرمایه عاطفی در حوزه ارتباطات شده اند، به طوری که آسیب ها، آفت ها، و بحران امنیت عاطفی و اجتماعی خانواده را به خطر انداخته است؛ از بعد دیگر عدم تناسب های شغلی، نه تنها امکان بازیابی شغلی را کاهش داده است، بلکه خطر امحاء فرصت های موجود را نیز فراهم آورده است. و خانواده با دغدغه و تشویق شغلی افراد خویش دست به گریبان است. در ثانی شهرنشینی خطرات جانی بسیاری رقم زده است. انواع بیماری ها، انواع تصادفات و صور گوناگون تجاوز به جان افراد موجبات بروز نگرانی های بسیار در حیات را فراهم ساخته است. در حوزه اخلاق نیز چنین است. جامعه در حال گذار با مدرنیته رسانه ای و ناقص دچار عوارض شی سروری، لذت گرایی و اشکال گوناگون آنومی در حوزه ارزش ها است. بنابراین، خانواده در ابعاد امنیت جان، مال، شغل، امنیت اجتماعی، عاطفی و اخلاقی، آسیب پذیر گشته است.

### امنیت اجتماعی و توسعه پایدار

امنیت اجتماعی یکی از معرف های اساسی امنیت همه جانبه هر نظام اجتماعی می باشد که با توسعه پایدار آن در سطح جامعه استقلال و ثبات نظم اجتماعی جامعه تقویت می گردد. در واقع مصادیق بارز امنیت اجتماعی چون حفظ و احترام به اعتقادات شهروندان، انسجام اجتماعی، نظم جمعی در جامعه، تامین آسایش و رفاه اجتماعی، اعمال سیاست های اجتماعی و فرهنگی کارآمد، ایجاد زمینه های لازم برای برخوردار بودن از احساس امنیت و آرامش اجتماعی و روانی در بین شهروندان، دستیابی به سطح مطلوب استانداردهای زندگی، بستر سازی مشارکت پایدار و آگاهانه شهروندان در تصمیم گیری های نظام اجتماعی، تحکیم مبانی انسجام فرهنگی و همبستگی اجتماعی، استمرار شاخص های سرمایه اجتماعی و..... می تواند رابطه بین توسعه پایدار و امنیت اجتماعی را در هر جامعه ای به صورت یک واقعیت اجتماعی مورد ارزیابی قرار دهد. در مقابل توسعه نیافتگی و فقدان توسعه اجتماعی زمینه ساز تهدیدات امنیتی است، و هر نظام اجتماعی که بخواهد هر گونه تهدیدی را از بین ببرد باید فرصت های برابر را برای شهروندان در جامعه ایجاد کند تا با جلب رضایت آن ها مانع از بروز نابسامانی های اجتماعی شده و امنیت اجتماعی را تضمین نماید. بنابراین «امنیت و یکی از مصادیق آن امنیت اجتماعی شرط لازم و اساسی توسعه پایدار و همه جانبه هر نظام اجتماعی محسوب می شود. امروزه اقتدار ملی و منافع امنیت اجتماعی با قدرت و رویکرد سلبی از سوی دولت تأمین و تضمین نمی شود، بلکه این منافع جنبه نرم افزاری به خود گرفته است، و با بستر سازی رویکرد ایجابی در جامعه از طریق مشارکت معنادار مردم و گسترش نهادهای دموکراتیک بوده و نهایتاً و امده توسعه اجتماعی و اقتصادی خواهد بود.» (احمدی، ۱۳۸۷: ۲۰) با توجه به آنچه که بیان شد، گسترش راهکارهای مشارکت پایدار شهروندان در عرصه های مختلف، توسعه نهادهای غیر دولتی (NGO)، احترام به حقوق همه جانبه و پایدار اقلیت ها و اقوام، تلاش در جهت رفع نابرابری های اجتماعی و بی عدالتی، پرورش استعدادها و شکوفایی خلاقیت ها و..... از مصادیق بارز تعامل پایدار توسعه و امنیت اجتماعی می باشد.

### امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی

از بُعد دیگر اهتمام به مسئله امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از افزایش سرمایه اجتماعی از مباحثی است که در دهه های اخیر مورد توجه قرار گرفته است. افزایش میزان سرمایه اجتماعی به خصوص در شکل بین گروهی آن در جامعه به همراه آثار مثبت افزایش کیفیت زندگی، توسعه اقتصادی، اجتماعی، و سیاسی، نظام کارآمد، کنترل اجتماعی غیر رسمی، رعایت هنجارها و ارزش ها، استحکام خانواده، نظم اجتماعی پویا، حمایت از بده و بستان های جمعی بالاخص ارتقاء سطوح و عملکرد مختلف

امنیت اجتماعی را برای شهروندان در جامعه به همراه خواهد داد. در واقع هرچه سرمایه اجتماعی افزایش یابد، در نتیجه بیگانگی کمتر می شود، و عدم وجود نظارت و در دسترس بودن راه های فرار کاهش یافته در نتیجه امنیت اجتماعی تقویت می گردد. بنابراین در سطح شهرها هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط اجتماعی محلات به سطوح بالاتر سوق داد، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر خواهد شد، در نتیجه توانمندی بالاتری برای مواجهه با جرم، بی نظمی و تحقق امنیت اجتماعی بیشتر خواهد شد. بر این اساس با چرخش گفتمانی امنیت اجتماعی دولت محور به گفتمان امنیت اجتماعی جامعه محور، که کانون و مرکز قدرت را در خود جامعه بسترسازی کرده سازه سرمایه اجتماعی در ارتباط با امنیت اجتماعی نقش بارزی پیدا کرده است؛ «زیرا سرمایه اجتماعی از جمله نظریات جامعه محوری است که با تأکید بر روابط اجتماعی، ظرفیت تبیین و فهم امنیت اجتماعی شده را داراست؛ زیرا لازمه رسیدن به توسعه، امنیت و سلامت اجتماعی، توجه به ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی است که در کنترل آسیب ها، جرایم و انحرافات اجتماعی و به طور کلی بحران های اجتماعی، نقش به سزایی ایفاء می کند.» (جعفری، ۱۳۸۶: ۱۲) با توجه به این مباحث سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی، به عنوان دوسازه تحلیلی که در بحث های علمی و نظری صاحب نظران اجتماعی مطرح هستند، برخوردار از اشتراکات و افتراق ها هستند که آن ها را می توان به این صورت بیان کرد. «۱- مفهوم سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی به دلیل ماهیت و برخوردار بودن از سطوح و لایه های مختلف و نیز وجود انتزاعی آن ها از حیث روش شناختی، نوعی سازه تلقی می شوند. هر چند که پژوهشگران تلاش خود را به بیان ابعاد عینی (انضمامی) این دوسازه، در کنار ابعاد ذهنی (انتزاعی) آن، مصروف نموده اند، به گونه ای که شاهد بیان ابعاد متنوع نظری و تجربی این دو سازه، به رغم وجود اختلاف و نظریات مختلف هستیم. ۲- سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی به عنوان کالای عمومی شناخته شده اند که در یک جامعه متوازن و پایدار، عموم جامعه از وجود آنان استفاده می کنند. ۳- سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی به سختی و با تلاش آشکار و پنهان احاد افراد، سازمان ها و نهادهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و امنیتی حاصل و محقق می شوند. سرمایه اجتماعی محصول همکاری و تعامل متقابل و همه جانبه جامعه و دولت است. لیکن فرسایش و نابودی آن هاف به آسانی و با خطای استراتژیک بخش معینی از جامعه، صورت می گیرد. ۴- فقدان اجتماع و اتفاق نظر در مورد بیان نظری (مفهومی) امنیت اجتماعی و سرمایه اجتماعی و به تبع آن، نبود تعریف و سنجه های عملی (تجربی) معین در مورد آن ها. ۵- هر دو مفهوم (سازه) از صورت مثبت و ایجابی برخوردار هستند، و دلالت بر نوعی دارندگی و داشت دارند. در مواردی، برای بیان فضای مفهومی و تجربی آن ها، از نگاه سلبی و سنجه های منفی که دلالت بر فقدان آن ها دارند، استفاده می شود. آن چنانکه به نظر فوکویاما می توان از شاخص هایی چون میزان جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، خودکشی و فرار از پرداخت مالیات، برای سنجش فقدان سرمایه اجتماعی، استفاده کرد و در نگاه سلبی به امنیت اجتماعی، آن را برابر با نبود تهدید و فقدان هراس تعریف می کنند. ۶- هر دو سازه مقوی مشروعیت اجتماعی و سیاسی و نیز تسهیل کننده نظم اجتماعی پویا و توسعه پایدار هستند. ۷- سرمایه اجتماعی، در قیاس با امنیت اجتماعی، بیشتر نقش تبیین کنندگی دارد و امنیت اجتماعی، نقش تبیین شونده را دارد. به عبارت دیگر سازه سرمایه اجتماعی، به عنوان سازه ای مستقل عمل می کند که مولد سازه های دیگری چون نظم؛ پویا و امنیت اجتماعی است و سازه امنیت اجتماعی، بیشتر به عنوان معلول و محصول دیگر سازه ها، معرفی شده است. ۸- سرمایه اجتماعی تبیین کننده امنیت اجتماعی است، هر چند که این، به معنی وجود رابطه یک طرفه تام نیست، ولی حداقل در مقام تحلیل، همواره این امنیت اجتماعی است که بر مبنای میزان و اشکال مختلف سرمایه اجتماعی، مورد تحلیل و تبیین قرار می گیرد. ۹- به رغم تأکید و قوتی که گفتمان امنیت جامعه محور در دوره جدید پیدا کرده است، با وجود این، دولت در کنار دیگر عوامل سهم و نقش مهمی در تولید امنیت اجتماعی دارد. در حالی که دولت در تولید سرمایه اجتماعی در قیاس با دیگر عوامل، سهم کمتری دارد.» (غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹۳-۱۹۲)

## امنیت اجتماعی و توسعه شهرنشینی

امنیت اجتماعی با گسترش شهرنشینی و بروز آسیب های اجتماعی در سطح محلات از اهمیت بسیاری برخوردار است. به همین دلیل، اهتمام به این پدیده با نگرش محله ای از مباحثی است که مدیریت شهری هر جامعه ای با هماهنگی دستگاه های انتظامی و قضایی می تواند، در جهت تقویت سرمایه های اجتماعی شهروندان گام هایی موثری را بردارند. بنابراین امنیت اجتماعی در سطح محیط های باز شهری و محلات به اینگونه است که « برای درک میزان برخورداری از واحد اجتماعی از امنیت محله ای باید به نوعی روابط واقعی و تعلقات مشترک اعضا بر اساس روابطی که بین آن ها برقرار است، توجه داشت. باید در مرحله نخست به روابط نخستین و روابط ثانوی شهروندان بر اساس دیدگاه تونیس (گزلشافتی و گمینشافتی) متمرکز بود. امنیت زمانی در محلات گسترش می یابد که صمیمیت، خودمانی بودن، همدردی، هم اشتراکی، همزبانی، هویت محله ای و... به طور طبیعی بسترسازی گردیده باشد، از سوی دیگر رشد یکسری از سازمان های محله ای در قالب انجمن ها و تشکل های محله ای چون شورایی های محله ای، شرکت های تعاونی محله ای در قالب روابط ثانوی به همراه مدیریت مشترک همیاری و همکاری در حال اشاعه باشد. در واقع ترویج این دوگونه روابط در سطح محلات شهری باعث شده که سرمایه های جمعی و اعتماد اجتماعی بین همسایگی گسترش یابد، و این ارتقاء و تقویت رفتارهای جمعی منجر به این شده که محلات از امنیت اجتماعی مناسبی جهت کاهش آسیب های اجتماعی برخوردار باشد.» (توسلی، ۱۳۸۶: ۳۵-۳۴) بنابراین ارتقاء این نوع روابط نخستین و ثانویه در سطح محلات باعث شده که محلات را به مثابه سرمایه اجتماعی در نظر گرفت که تاثیر بر امنیت اجتماعی از نوع محله ای خواهد گذاشت، همچنین باعث می شود که شهروندان به نوعی پلیس جامعه محور تبدیل شوند که خود به نظارت و کنترل رفتارهای اجتماعی پرداخته و این باعث ارتقاء نظم اجتماعی و تقویت انسجام اجتماعی و همبستگی های فرهنگی (رعایت ارزش ها و هنجارها) منجر به شده است.

### امنیت اجتماعی و هویت اجتماعی

امروزه بر اساس ساحت پرطمطراق ارزش های مادی و فرهنگ مدرنیته جامعه با بحران هایی بسیار از جمله بحران هویت روبرو است، زیرا امروزه پست مدرنیسم ها توصیفات کلان جامعه مدرن را به نقد از جمله داشتن الگوی سبک زندگی یکسان، داشتن شغلی متعارف، تحصیلات پذیرفته شده، تفریحات و غیره در یکنواختی و تکرار اعتبار خود را از دست داده است؛ و باعث شده که اختلافات، تفاوت ها و ناهمگونی ها بیشتر مورد توجه باشد. بوزان و ویور با آگاهی از چنین شرایطی، ضرورت پردازش جنبه ای از امنیت را مورد توجه قرار داده اند، و به طرح امنیت اجتماعی مبادرت نموده اند. آنان موضع امنیت اجتماعی را هویت و پاسداری از هویت را هدف امنیت اجتماعی دانسته اند. بر این اساس امنیت اجتماعی در صدد تامین امنیت برای گروه های مختلفی است که به هویت های گوناگون در جامعه منتسب هستند. بنابراین «امنیت اجتماعی باعث گسترش فضای اجتماعی می شود، چرا که با از بین رفتن موانعی که در خصوص پیامدهای امنیت بخشی دولت مطرح است، فضای جدیدی به روی اجتماعات گشوده شده و زمینه های جدیدی برای فعالیت های گروه های اجتماعی مهیا می گردد. هویت های مختلف به رسمیت شناخته می گردد. حق حیات، ارتقاء و بهینه سازی شرایط آنان روا می گردد. از این رو، بستر تفاوت ها و تمایزات رشد نموده دغدغه مجازات به دلیل ناهمگونی، پایان می پذیرد و فضای اجتماعی برای ایفای نقش هویت های گوناگون باز می شود.» (نوبدینیا، ۱۳۸۵: ۶۰)

### امنیت اجتماعی و رسانه های اجتماعی

در ارتباط با مفهوم پویا و سازنده ضرورت امنیت اجتماعی در فرایند توسعه و سازوکارهای شتاب دهنده آن در سطح نظام های ملی و بین المللی پدیده ارتباطات به همراه مؤلفه رسانه های جمعی و افکار عمومی به عنوان یکی از عناصر مجرای شکل دهنده در امنیت اجتماعی جوامع نقش بارزی دارند. در واقع تصویب قوانین حریم خصوصی و جرایم اینترنتی، ایجاد پلیس فناوری اطلاعات (فتا) و... از نمونه های بارز اهتمام به پیوند رسانه های جمعی با مسئله امنیت اجتماعی و ملی می

باشد. با توجه به این موارد « رسانه ها می توانند به راحتی امنیت ذهنی و روانی شهروندان را نشانه روند و با تلقین احساس ناامنی، خاطره هایی را آشفته کنند و بالاخره با تغییر بینش ها و جابه جا کردن ارزش ها، زیرساخت های فرهنگی جوامع را لرزان و سپس متلاشی سازند. این اهداف با شیوه های گوناگون، غیر مستقیم و تاثیرگذاری مانند تبلیغات بازرگانی دنبال می شوند. رسانه ها نه تنها می توانند حریم شخصی را افراد را نادیده گرفته و زندگی خصوصی یا حتی اجتماعی و سیاسی آنان را دچار مخاطره کنند، بلکه قادرند دولت ها را نیز با چالش های جدی مواجه سازند. رسانه ها، به خصوص با پیدایش و گسترش ماهواره ها و اینترنت، در عمل، مرزهای جغرافیای را از بین برده و با پخش فرامرزی اصل حاکمیت دولت ها را نادیده گرفته اند. این گونه است که مواجهه کردن نظام های سیاسی با بحران مشروعیت و مقبولیت در افکار عمومی، زیر سوال بردن کارآمدی، بی اعتمادی ساختن مردم نسبت به مسئولان و رسانه های خودی را و اختلال در نظام ارتباطی دولت- ملت از شیوه های رایج و جدید براندازی شناخته می شود. بنابراین رسانه ها در گونه های مختلف امنیت از جمله امنیت اجتماعی تاثیر گذارند.» (مهرعلی، ۱۳۸۵: ۴۹-۵۰) با توجه به این مباحث در کنار پیامدهای منفی وسایل ارتباط جمعی بر امنیت پایدار، اثرات مثبت این وسایل در زمینه خنثی نمودن جهت منفی امنیت چون مقابله با بحران افزایش رسانه های بیگانه، افزایش سواد رسانه ای شهروندان در مورد مباحث امنیت اجتماعی، تقویت همبستگی های قومی، تشویق شهروندان به مشارکت پایدار در زمینه مسائل امنیتی، ارائه الگوهای فرهنگی و اجتماعی در جهت تحکیم انسجام ملی و... می توان در ارتباط با پدیده امنیت اجتماعی بر شمرد.

### امنیت اجتماعی در جامعه ایران

امنیت اجتماعی در جامعه ایران در دهه های اخیر یکی از موضوعات مهمی است که مورد توجه حاکمیت و دستگاه های انتظامی و قضایی قرار گرفته است. با توجه به این مباحث فرض اساسی این است که ریشه های بروز و شیوه های مدیریت امنیت اجتماعی در جوامع گوناگون متفاوت است. این فرض را نظریه پردازان اولیه امنیت اجتماعی نیز می پذیرند. « باری بوزان به عنوان یکی از اولین واضعان مفهوم امنیت اجتماعی معتقد است که مفاهیمی مانند امنیت ملی و امنیت اجتماعی خاستگاه غربی دارند و بسیاری از کشورهای جهان سوم فاقد موازین لازم برای طرح و توضیح امنیت ملی هستند. از دید وی ملت به مفهوم واقعی آن مقوله غربی است و استفاده بی حد و حصر کشورهای جهان سوم از این مفهوم غربی، لزوماً به درک و تمهید امنیت پایدار منتهی نخواهد شد.» (بوزان، ۱۳۸۳: ۵۱)

در واقع با استناد به روش شناسی باید بیان کنیم که هر مفهومی برخاسته از محیط ویژه خود و در واقع فرزند زمانه و زمینه خویشتن است؛ در واقع بعد از کشتار قومی در یوگسلاوی و ارتکاب خشونت های مبتنی بر هویت، امنیتی شدن اجتماع برای جامعه اروپایی اهمیت بسیاری یافت « و از این به بعد موضوع امنیت اجتماعی که به نگرهبانی از هویت برمی گردد مورد توجه جامعه غربی قرار گرفته است. باری بوزان و ویور امنیت اجتماعی را یک معما می نامند و معتقدند که پیگیری سیاست هویت و برجسته کردن هویت مناسبات عمومی، احتمالاً به ضد خود تبدیل می شود و باعث نحیف شدن هویت در اثر جنگ های هویتی می گردد.» (روی، ۱۳۸۲: ۶۸۸) در واقع در غرب هویت در مرکز امنیت اجتماعی قرار دارد. رشد برخی از جمعیت های و احساس طرد و حذف قومی را ریشه ناامنی اجتماعی و طرح بحث در امنیت اجتماعی باید دانست.

برای درک این نکته که چه مسائلی را می توان در شمار مقوله امنیت اجتماعی ایران گنجانند، لازم است که به تعریف بومی امنیت اجتماعی اشاره کنیم که « امنیت اجتماعی یا جامعه ای عبارت است از: اطمینان خاطر افراد جامعه و نیز گروه های اجتماعی نسبت به موجودیت و انسجام خود در قبال تحولات عمدی و تحولات عادی» (نصری، ۱۳۹۰: ۱۹۰) با توجه به تعریفی که ارائه شد مؤلفه های امنیت اجتماعی در ایران به قرار زیر دارای چنین کارکردهایی است.

الف) عمومی بودن: امنیت اجتماعی در نگاه اولیه محصول حیات اجتماعی است و به عنوان یک مسئله اجتماعی در واحدهای اجتماعی مشخصی مانند گروه، قشر، طبقه، ایل، روستا، شهر، جامعه و نظایر آن رخ می نماید.

ب) ساختار مادی و غیرمادی: فقدان امنیت در جامعه تنها بعد مادی را شامل نمی گردد. بلکه وجوه فرامادی نظیر موقعیت، شخصیت، شأن و منزلت، هویت و علائق فردی و گروهی را نیز دربر می گیرد، در واقع امنیت اجتماعی در ایران به عکس العمل افراد و گروه ها نسبت به مسائل هویتی، حیثیتی که در برخی موارد جنبه مادی را هم در بر می گیرد، اشاره می گردد.

پ) تاریخی بودن: در واقع امنیت اجتماعی و حتی فقدان ناامنی در جامعه به هر حال در فضاء، زمان و مکان و در بستر محیط اجتماعی شکل می گیرد و در هر دوره ای متمایز و متنوع است.

ت) ادراکی بودن: یکی از مهمترین مؤلفه های امنیت اجتماعی ادراکی بودن این مسئله است، هر چند که در سطح جامعه آسیب های اجتماعی عینی و واقعی قابل مشاهده هستند، ناامنی های اجتماعی بخشی از آن قابل ادراک می باشد، براین اساس امنیت اجتماعی بیش از آنکه واقعیت داشته باشد، احساسی و ساختنی است، براین اساس احساس امنیت اجتماعی در ایران از اهمیت بسیاری در تحقیقات جامعه شناختی برخوردار است.

ث) متغیر و نسبی بودن: نوع، شدت، مدت، پراکندگی و وجوه امنیت اجتماعی در اعصار و مکان های مختلف متفاوت است.

ج) تنوع و تکثر: دغدغه های اجتماعی و فردی جوامع مشخص و محدود نیستند؛ و معمولاً مجموعه ای از فقدان ها و کاستی های اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی و نظامی حیات اجتماعات و افراد را در بر می گیرد.

چ) بین رشته ای بودن: مؤلفه های شکل گیری امنیت اجتماعی را نمی توان صرفاً در ذیل یک رشته خاص مانند جامعه شناسی، روانشناسی، مطالعات راهبردی و مدیریت بررسی کرد. در واقع مجموعه ای از رشته های علوم انسانی، طبیعی و حتی فنی در شکل گیری مدیریت اجتماعی امنیت جامعه مشارکت دارند.

ح) حیاتی بودن: برخی ارزش های مورد احترام و متداول در جوامع حیاتی اند؛ یعنی نقش تعیین کننده ای در استمرار زندگی افراد و جامعه یا همان نظام اجتماعی دارند. امنیت اجتماعی و مؤلفه های آن مانند: انسجام گروهی، نظم عمومی، سلامت و مهارت افراد، امید به زندگی، تداوم هویت، ارتقاء سرمایه های اجتماعی، مشارکت پایدار، وفاق و وحدت جمعی، و... در بقاء و بالندگی های ملت ها نقش بارزی دارد.

خ) سامان پذیری: معضلات و مشکلات اجتماعی به رغم گستردگی و عمق آن ها در جامعه جبران پذیر نیست؛ و می توان با مجموعه ای از برنامه های پیشگیرانه و جبران سیاستگذاری ها و برنامه ریزی های مستمر به مهار آن ها پرداخت؛ همچنین ایجاد نهادهای نوین، طرح گفتمان های مناسب و تدارک قوانین و آئین نامه های مناسب می توانند واحدهای عمل کننده را در شناخت و سامان عوارض و ناامنی های جامعه یاری کنند.

در واقع عوامل شکل دهنده امنیت اجتماعی در ایران با توجه به این کارکردها دارای مختصاتی است که با الگوی امنیت اجتماعی جامعه غربی یا اروپایی متمایز است. درک این پرسش مستلزم تشریح مؤلفه های کلیدی شکل دهنده امنیت اجتماعی در ایران کنونی خواهد بود.

۱- موقعیت ژئوپلیتیکی: ایران در طی اعصار متفاوت و متمادی، همواره محل تنش و تحول ابداعات و اختراعات بوده است، به نظر می رسد که بر سرچهارراه این کشور قرار گرفته است. بنابراین نقش بسیاری حوادث در تاریخ ایران بیش از دیگر وقایع



اهمیت دارد. از این رو تاریخ سیصدساله اخیر جامعه ایران به رغم موقعیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومی همواره مقهور حوادث ناخواسته بوده است و این امر در اعتماد به نفس و جهت گیری ایرانیان تاثیر گذار می باشد.

۲- تنوع منابع هویتی و ترکیب قومی- مذهبی: با توجه به تمدن چند هزار ساله ایران، که خود یکی از مؤلفه های قدرت بخشی این سرزمین را به همراه دارد، بیانگر این است که هویت به عنوان یکی از مؤلفه های دیرپا، فی نفسه مهم در قدرت راهبردی این سرزمین داشته است. همچنین این مؤلفه در کنار انسجام اجتماعی در شکل گیری تعارض و یا ترجیح یکی بر دیگری باعث شده که انسجام اجتماعی را مخدوش سازد. بنابراین مدیریت تنوع در عین وحدت یا کثرت در عین وحدت، اراده و مهارت ویژه های می طلبد و به نظر می رسد که تعمیم برداشت غربی از امنیت اجتماعی می تواند این وضع حساس و مهیا را تحریک کند.

۳- تجربه شخصی و برداشت نخبگان سیاسی: در واقع بخش اعظم و اساسی سیاست ها تابع برداشت نخبگان و تصمیم گیران است. نخبگان سیاسی حاکم بر ایران سال های مدیدی مشتاق و هواخواه استقلال بوده اند، به همین خاطر حاضر به تمکین یافته ها و خواسته های غرب نیستند و عده ای مروج فرهنگ غربی را خائن و مزدور و بیگانه می خوانند.

۴- دعوی الهام بخشی: در واقع کلیدی ترین مولفه امنیت اجتماعی حال حاضر ایران را باید اسلام فقاهتی دانست که به عنوان یک شریعت و رهیافت فقهی به عنوان روشی روشن برای پیاده ساختن احکام شریعت، مقام ممتازی در تعیین جهت و رویکردهای حاکمیت ایران دارد. حاکمیت فعلی با توجه به سال ها مبارزه اکنون که قدرت را در دست دارد، به دنبال طرح نظریه های فراملی چون نظریه ام القری، ایران قدرت اول خاورمیانه، گفتگوی تمدن ها و... می باشد، مطابق سند چشم انداز بیست ساله ایران در جهان اسلام کانونی الهام بخش و در خاورمیانه قدرت اول منطقه است.

با توجه به این مؤلفه ها باید در پایان اشاره به این کنیم که امنیت اجتماعی جامعه ایران با جامعه غربی متفاوت است، و بر اساس نظریه پردازان غربی و تحقیقات انجام یافته در زمینه امنیت اجتماعی در ایران می توان اشاره کرد که «اولاً: در کشوری مانند ایران مرزهای امنیت اجتماعی از سایر مفاهیم مشابه همانند امنیت ملی و امنیت فردی قابل تمیز نیست و همپوشانی و سویی بین امنیت و نامنی اجتماعی و مفاهیم مشابه قابل مشاهده است. ثانیاً گروه های اجتماعی به مثابه موضوع اولیه و اصلی امنیت اجتماعی، برخلاف کشورهای اسکاندیناوی فقط در گروه هویت طلب ( بویژه نوع قومی آن) خلاصه نمی شود و گروه های دیگری هم هستند که نسبت به هستی و بالندگی و ابراز کامل و کم هزینه خود، اطمینان خاطر ندارند و گمان می رود با رشد فن آوری ها و پیچیدگی اجتماعی، احساس امنیتی گروهی بیشتر مخدوش می شود. ثالثاً مؤلفه های امنیت اجتماعی ( مانند بقای عینی حیات گروهی، امکان خودآزاری گروهی و رهایی بخشی) دارای مختصاتی هستند که آن ها را می توان در عمومی بودن، ساخت مادی و فرامادی تاریخی بودن، ادراکی بودن، متغیر و نسبی بودن، تنوع بین رشته ای بودن، حیاتی بودن و نظم پذیری صورت بندی نمود.» ( همان: ۱۹۷ ) بنابراین با اتکاء به تعریف امنیت اجتماعی، و نیز با استناد به روش پژوهش این مجموعه ( محوریت باورها، برداشت ها و ساختار بین الادهانی امنیت) و نیز مبانی نظری پیش گرفته ( سطح بندی معنا و مؤلفه های امنیت) می توانیم مصادیق امنیت اجتماعی و یا نامنی جامعه ای را در قالب سه سطح تفکیک بندی نمائیم. که این سه سطح شامل (۱- تحولات و تحرکات معطوف به موجودیت هویت گروهی. ۲- تحولات و تحرکات معطوف به سبک زندگی گروه. ۳- تحولات و تحرکات معطوف به سیاست زندگی گروه ها) می باشد.

راهبردها

- الف) تقویت برنامه ریزی های مدیریتی و امنیتی در راستای انسجام و پایداری اجتماعی شهروندان جامعه نسبت به فرهنگ بومی و هویتی ایران.
- ب) ارتقاء دانش و سواد رسانه ای شهروندان نسبت به شاخص ها و کارویژه های امنیت اجتماعی در سطح جامعه ایران.
- پ) تشویق شهروندان به افزایش سرمایه های اجتماعی و فرهنگی از سوی نهادها و سازمان های ذیربط در حاکمیت و دولت جامعه ایران.
- ت) استمرار به هویت ها و تعلق خاطر به ارزش ها و آداب و رسوم فرهنگی و هویتی اقوام ایرانی.
- ث) تلاش در راستای تامین بهداشت روانی و اجتماعی اقوام ایرانی با توجه به فرهنگ بومی و ملی از سوی نهادهای اجتماعی و فرهنگی حاکمیت ایران.
- ج) بهره مندی کلیه اقوام ایرانی از عدالت اجتماعی، رفاه و تامین آسایش اجتماعی، روانی و اقتصادی.
- چ) توجه به خلاقیت ها و حمایت از استعداد های شکوفای اقوام ایرانی.
- ح) حفظ نگهداشت و پاسداشت سرمایه های ارزشی و فرهنگی اقوام ایرانی.
- خ) ارتقاء ابعاد دینی و آموزه های قرآنی در بین سبک زندگی شهروندان و اقوام ایرانی.
- د) ارتقاء میزان مشارکت پایدار اقوام ایرانی نسبت به توسعه همه جانبه جامعه ایرانی.
- ذ) ارتقاء دانش و مدیریت جامعه محوری نیروی انتظامی با توجه به فرهنگ بومی و محلی شهروندان.
- ر) ارتباط تنگاتنگ نهاد اجتماعی خانواده با نهادهای حاکمیتی و دولتی بالاخص نیروی انتظامی.
- ز) پیشگیری از هرگونه اهانت و بی احترامی به هویت های بومی و محلی شهروندان.
- ژ) ترویج و تقویت تعاملات سازنده انسانی و اجتماعی در بین اقوام ایرانی.
- س) تقویت دانش نرم افزاری و سخت افزاری هویت های قومی، بومی و محلی در جامعه.
- ش) اهتمام به خلق فرصت ها و افزایش منافع معرفتی و هویتی اقوام ایرانی.
- ص) ضرورت مطالعات و پژوهش های بین رشته ای امنیت اجتماعی در سطح جامعه آموزشی ایران.
- ض) شناخت عمیق از موقعیت منطقه ای- محلی امنیتی و ارائه راهکارها و راهبردهای پایدار و همه جانبه نسبت به بهره مندی از ظرفیت های قومی و بومی برای استمرار نظم و امنیت در منطقه
- ط) توجه به استمرار ارزشی، نرم افزاری و سخت افزاری در مطالعات امنیت اجتماعی جامعه ایران.
- ظ) ارائه راهبردها و راهکارهای پایدار (کوتاه و بلند) مدت نسبت به رفع موانع و محدودیت های امنیت اجتماعی.

ع) پیشگیری از انواع آسیب های روانی، اجتماعی، عاطفی، اقتصادی و فرهنگی در بین خانواده های ایرانی.

غ) ترغیب و تشویق مشارکت پایدار شهروندان و اقوام ایرانی در راستای حفظ الگوهای امنیت اجتماعی.

ف) توجه به تحولات و تحرکات امنیت اجتماعی جامعه ایران معطوف به (۱- موجودیت هویت گروهی. ۲- سبک زندگی اقوام. ۳- سیاست زندگی اقوام)

### نتیجه گیری

امنیت اجتماعی در سطح جوامع نظم و بقاء را به عنوان مهمترین کارکرد اساسی خود بوجود می آورد. از بُعد جامعه شناختی اول اینکه این نوع امنیت در سطح جامعه ضرورت حیات اجتماعی را فراهم می کند؛ دوم اینکه از حیث تأثیرگذاری در کم و کیف امور اجتماعی، سیاسی، دولتی و حکومتی که جامعه با بحران ها و مسائلی روبرو است؛ بر این اساس جامعه شناسی امنیت، به حفظ حریم اجتماعی، رفع خطرات، استفاده بهینه از فرصت ها و ارتقاء سطح زندگی اجتماعی می پردازد. از نظر ماهوی امنیت به معنای رهایی از خطر، تهدید، آسیب، اضطراب، هراس، نگرانی یا وجود آرامش، اطمینان، آسایش، اعتماد، تامین، ضامن است. بر اساس نظام بنیادین منشاء احساس امنیت وجودی است.

امنیت اجتماعی به عنوان پدیده ای در مسیر تحولات اجتماعی برسر راه توسعه یعنی وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد توجه مردم و گروه های اجتماعی قرار می گیرد، و در صورت عدم تحقق آن جامعه به سمت عدم توسعه نیافتگی سوق می یابد، بر این اساس این پدیده از بُعد ارزشی و هنجاری برای رسیدن به اهداف و کمال مطلوب جامعه و در راستای مقدرات و محدودیت های موجود بر راه رسیدن به توسعه ضروری به نظر می رسد. امنیت اجتماعی با توجه به واحد تحلیل (گروه های اجتماعی) به عنوان یک پدیده جمعی، انضمامی و خاص یک واحد اجتماعی در سطح بومی، ملی و بین المللی می باشد. امنیت اجتماعی نوعی نرم افزار (فکری، فرهنگی، اجتماعی و ساختاری) در حوزه شاخص های توسعه و پیامدهای توسعه یافتگی است؛ همچنین امنیت و ابعاد آن پدیده ای هستند که در مسیر تحولات اجتماعی بین وضعیت موجود و وضعیت مطلوب مورد اکثریت مردم و گروه های اجتماعی قرار دارد، بنابراین شناخت این مسئله بستگی به شناخت علمی اهداف و کمال مطلوب های جامعه و مقدرات و محدودیت های موجود بر سر راه تحقق آن ها دارند.

رویکرد سلبی به مفهوم نبودن خطر، تهدید و برخورداری نسبی از آرامش و اطمینان خاطر معطوف شده است. هدف از این وجه استقرار و نظم و برقراری ثبات است. رویکرد ایجابی معطوف به ابعاد آرامش، اطمینان، آسایش به عنوان حوزه معنایی از امنیت تکیه کرده است؛ و می توان آن را ظرفیت بهره مندی از فرصت ها و تضمین منافع و ارزش ها دانست. نگرش جامعه شناسی خرد به امنیت اجتماعی علاوه بر عینی / ذهنی بودن، نوعی پاسخگویی به نیازها و تضمین خود، و یا ترکیبی از عینیت و ذهنیت و مناسبات و تعاملات غیر رسمی است. نگرش جامعه شناسی کلان به این پدیده در بستر جمع حاصل شده، در این سطح واقعیت آن است که هنجارهای رسمی تعیین کنندگی بالاتر و بیشتری را در وضع امنیت اجتماعی دارند.

اهتمام به مسئله امنیت اجتماعی در جامعه ناشی از افزایش سرمایه اجتماعی خواهد بود. در سطح جامعه هر چه شرایط محیطی و میزان تراکم و چگالی تعاملات اجتماعی موجود در محیط های اجتماعی با لاتر رود، در نتیجه انسجام، اعتماد و تعامل اجتماعی بیشتر خواهد شد، در نتیجه توانمندی بالاتری برای مواجهه با جرم، بی نظمی و تحقق امنیت اجتماعی بیشتر خواهد شد. امنیت اجتماعی در سطح جامعه با نهاد اجتماعی خانواده ارتباط دارد. بنابراین امنیت اجتماعی به معنای رفع تهدیدهای اجتماعی و بهره مندی از فرصت های اجتماعی خانواده تعریف می گردد. نهاد اجتماعی خانواده برای اعمال کارکردهایش نیازمند امنیت اجتماعی است. تا بتواند با مسائل آسیب شناختی (روانی - عاطفی و اجتماعی) و تقویت هنجارها و

ارزش های خانوادگی دست و پنجه نرم کند. امنیت اجتماعی با گسترش شهرنشینی و بروز آسیب های اجتماعی در سطح محلات از جمله مباحثی است که مدیریت شهری می تواند، در جهت تقویت سرمایه های اجتماعی شهروندان، امنیت شهری، تقلیل جرائم، کنترل رفتارهای ناپهنجار، ایمنی سازی محیط ها و محلات شهری در جهت ارتقاء اعتماد اجتماعی گام هایی مؤثری بردارد. همانطور که بیان شد کارکرد امنیت اجتماعی پاسداری از هویت های اجتماعی است. بر این اساس جامعه از طریق گسترش فضای اجتماعی و از بین رفتن موانع و محدودیت های اجتماعی برای گروه های قومی و اجتماعی به دنبال حفظ الگوهای هویتی خواهد بود که منجر به بسترسازی امنیت اجتماعی خواهد شد. امروزه رسانه های جمعی و افکار عمومی به عنوان یکی از عناصر مجرای شکل دهنده در امنیت اجتماعی جوامع نقش بارزی در توسعه ارتباطات و اطلاعات، تصویب قوانین حریم خصوصی و جرایم اینترنتی، سواد رسانه ای، همبستگی های قومی، مشارکت پایدار، انسجام ملی و... خواهد داشت. مبحث امنیت اجتماعی در ایران با غرب متفاوت است که بر اساس یکسری از مؤلفه های درونی می توان این بحث را مورد ارزیابی و گسترش قرار داد.

## منابع

- احمدی، سید محمد (۱۳۷۸) توسعه اجتماعی و امنیت ملی، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، صص. ۷۰-۹۰.
- افشار کهن، جواد، (۱۳۸۲) درآمدی بر جامعه شناسی مسائل اجتماعی. چاپ اول، تهران: نشر سلمان - سایه هور.
- بوزان، باری، (۱۳۷۸) مردم، دولت ها و هراس، چاپ اول، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳) مشکل امنیت ملی در جهان سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ترابی، یوسف، گودرزی، ایت، (۱۳۸۳) ارزش ها و امنیت اجتماعی، فصلنامه دانش انتظامی، سال ششم، شماره دوم، تهران، دانشگاه علوم انتظامی.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۸۶)، امنیت اجتماعی با نگرش محله ای، نامه پژوهش فرهنگی، سال هشتم، شماره نهم، صص ۲۳-۴۰
- جعفری، روح الله، (۱۳۸۶) سرمایه اجتماعی رهیافتی بی بدیل برای تبیین امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، سال سوم، شماره دهم، تهران، معاونت اجتماعی ناجا.
- چلبی، مسعود، (۱۳۸۶). جامعه شناسی نظم، چاپ چهارم، تهران: نشر نی.
- روی، پل، (۱۳۸۲). معمای امنیت اجتماعی. ترجمه منیژه نویدنیا، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره سوم. صص ۶۰۵-۷۰۸
- شارون، جوئل (۱۳۷۹) ده پرسش از دیدگاه جامعه شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۷)، طرح مسائل اجتماعی در ایران: اهداف و ضرورت ها. در مجموعه مقالات مسایل اجتماعی ایران چاپ دوم، تهران: انتشارات آگه و انجمن جامعه شناسی ایران. صص ۹-۳۴.
- عسگری، محمود، (۱۳۸۲). رهیافت های شناخت شناسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره دوم، صص ۳۸۳-۴۰۳.
- مهر علی، حمید رضا (۱۳۸۵) توسعه ارتباطات جمعی و امنیت ملی. فصلنامه دانش انتظامی، سال هفتم، شماره اول، صص ۷۲-۳۶.
- نصری، قدیر، (۱۳۸۱) معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک \_\_\_\_\_ (۱۳۹۰). درآمدی نظری بر امنیت جامعه ای ( مفاهیم، مؤلفه ها و نظریه ها). چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نویدنیا، منیژه، (۱۳۸۲). درآمدی بر امنیت اجتماعی. فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره اول. صص ۷۶-۵۵.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). تاملی نظری در امنیت اجتماعی: با تأکید بر گونه های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم،  
شماره اول، صص ۷۲-۵۳.  
\_\_\_\_\_ (۱۳۸۸) امنیت اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

این مقاله جهت بارگذاری و همکاری با سایت انسان شناسی و فرهنگ ارائه گردیده.

محمد حسن شربتیان: عضو هیئت علمی دانشگاه Email: sharbatian@gmail.com